



شهرهای تجسمی

پرتال جامع علوم انسانی

کلید واژه‌ها: توسعه پایدار، معماری، شهر، اقتصاد، انسان، طبیعت، فرهنگ ایران.

ساکنان و پدیدآورندگان آثار مدنی و معماری در ایران، یکی از بارزترین وجوه شناسایی قوانین حاکم بر عالم وجود را در جهت ایجاد محیط مناسب زندگی انسان، تجلی کالبدی بخشیده‌اند. این آثار، در گذشته اصول و روش‌هایی را به کار گرفته‌اند که نه تنها تخریب و ضایعه‌ای را بر محیط تحمیل نمی‌کرده‌اند، بلکه همواره به عنوان عالم کمال بخشیدن به ماده و نه تنها پاسخگو به نیازهای انسان که در جهت رشد و تعالی او ایفای نقش نموده‌اند. در تقابل با آثار معماری سنتی ایرانی، معماری معاصر ایران با تمرکز بر جنبه مادی و اقتصادی (درآمدزایی) و غفلت از جامعیت حیات انسان در تقابل با اصولی قرار گرفته است که می‌توان از آنها به عنوان مبانی توسعه پایدار یاد کرد. در تبیین این موضوعات، مقاله حاضر پس از ذکر مقدمه‌ای، عناوین زیر را مورد بحث قرار خواهد داد: مبانی توسعه پایدار، مبانی معماری سنتی ایرانی، مبانی معماری معاصر ایران، معماری سنتی ایرانی و توسعه پایدار، معماری معاصر ایران و توسعه پایدار، نتیجه‌گیری و پیشنهادها.



۱- درآمد

مقایسه‌ای اجمالی بین هنر سنتی^۱ و هنر معاصر نشان می‌دهد که آثار هنر سنتی غالباً نقشی کارآمد در زندگی روزمره پدیدآورندگان و استفاده‌کنندگان خویش ایفا می‌نمودند. آثاری که توسط هنرمندان ایجاد می‌شد، به ندرت به عنوان تزئین و یا کالایی تجملی و گران‌قیمت قلمداد می‌گردید. ضمن آن که سعی بر آن بود که همه چیز زیبا و هماهنگ و متعادل باشد. در هر قلمرویی از هنر، آثار تولید شده بسته به کیفیت و کمیت‌شان، مورد استفاده قاطبه مردم قرار می‌گرفتند، و طبیعی است که صاحبان مکتب و قدرت قادر به استفاده از کیفیت و کمیت برتر بودند. در واقع هنر سنتی،

دکتر محمد نقی زاده

رابطه معماری ایران

با اصول توسعه پایدار

همچون اصول حاکم بر آن، در متن زندگی جاری بود. هر فرآورده‌ای به نسبت توانایی پدیدآورنده‌اش از ویژگی‌های کیفی هنری برخوردار بود.

این در حالی است که بسیاری از آثار هنری معاصر به دلیل عدم امکان رقابت‌شان با تولیدات صنعتی که بسیار ارزان‌تر می‌باشند، به عنوان وسایل و ابزار، جایگاهی در زندگی روزمره مردم ندارند. آثار هنری معاصر اکثراً به عنوان تزئین و باقیمت‌های گزاف در دسترس جامعه هستند. بسیاری از مردم علاقه‌مند، نچهار به تهیه نسخه‌ها و تکثیرهای صنعتی و بدلی آثار زمینه‌های مختلف هنری می‌باشند. و این طبیعت زندگی معاصر است که همه چیز را بر مبنای اقتصاد می‌سنجد. یکی دیگر از تفاوت‌های بارز فعالیت‌های هنری

سنتی و معاصر این است که آثار هنری سنتی اگر چه جنبه‌ای اقتصادی نیز داشتند لیکن این جنبه، نه اصل اول بود و نه هدف اولیه هنرمند و پدیدآورنده و نه حتی اصولاً مسایل اقتصادی به عنوان مقوله‌ای جدای از وجه معنوی و روحانی حیات و امری مستقل قابل تصور بودند. مرحوم علامه طباطبایی (ره) در معنای اقتصاد می‌فرماید: اقتصاد به معنی گرفتن قصد، و قصد به معنی میانه است. پس اقتصاد به معنی میانه‌روی در امور و برهیز از افراط و تفریط در امور است. و امت مقصده، متی است که در امر دین و تسلیم نسبت به دستورات الهی میانه و معتدل باشد.^۲ در حالی که امروزه غالب فعالیت‌های جوامع متوجه بازدهی اقتصادی و کسب درآمد در واقع متمایل به خروج از تعادل و میانه‌روی هستند، که این توجه نیز اکثراً بر بازدهی فوری و کمی تمرکز داشته و به عواقب و نتایج بلند مدت و آثار کیفی آنها که طبیعتاً بر کمیت نیز اثر می‌گذارند، کمتر توجه می‌شود.

شاید بتوان گفت که موارد فوق‌الاشاره اولاً همه مختصات هنر سنتی و معاصر نبوده و ثانیاً در همه هنرها (مثل ادبیات) صدق نمی‌کنند. بنابراین در جهت

وضوح بحث، تمرکز اصلی بر یکی از هنرهای اصلی که مورد استفادهٔ جملگی آحاد جامعه بوده و همگان به نحوی با آن در تماس می‌باشند، ضمن آن که با عنایت به بحث «توسعه پایدار» که از مباحث اصلی فعالیت‌های انسانی جوامع معاصر است، رابطهٔ «معماری سنتی» و «معماری معاصر» ایران با «اصول توسعه پایدار» در بستر فرهنگ ایرانی مورد بررسی قرار خواهد گرفت. به عبارت دیگر، در جهت هدایت بحث در مسیری مشخص که نتیجه‌گیری رانیز سریع نماید، تمرکز اصلی مقاله بر تبیین مبانی معماری ایران در گذشته و عصر حاضر و مقایسه آنها در پاسخ‌گویی به اصول و مبانی توسعه پایدار (به عنوان یکی از آخرین نظریه‌های ارایه شده برای برنامه‌ها و فعالیت‌های جوامع، در ارتباط با انسان و طبیعت و ساخته‌های انسان) و در جهت پاسخ‌گویی به بعد اقتصادی فعالیت‌ها و هم‌زمان با توجه به بعد معنوی است.

۲- مبانی توسعه پایدار

یکی از نظرانی که طی سالیان گذشته در رابطه با فعالیت‌های انسان و به ویژه در ارتباط با محیط زیست مطرح شده است حرکت در جهت «توسعه پایدار» است. که این سیاست، اصول خاص خویش را طلب می‌نماید. این ایده که در مغرب زمین مطرح و مورد اقبال عمومی (مؤسسات عمومی که در ارتباط با محیط زیست و منابع طبیعی فعالیت می‌نمایند) قرار گرفته است. در ایران نیز در چند سال اخیر سازمان‌های مختلفی سعی در انطباق فعالیت‌های خویش با اصول و سیاست‌های منبعث از آن دارند. توسعه پایدار، در مفهوم، ایده جدیدی نیست. ولی مطرح نبودن آن، بدین‌گونه که امروزه دامنه مباحثات و موضوعات مرتبط با آن در سطح جهان به عنوان حرکتی فراگیر و بارسالت جهانی است، به دلیل آن بوده است که در جوامع قبل از انقلاب صنعتی، توسعه، بطنی و هماهنگ با محیط

طبیعی بوده و تعادلی نسبی بین طبیعت و مصنوعات انسان وجود داشته است. مضافاً این که نحوه نگرش به طبیعت و جهان هستی در جوامع با تفکر دینی، قبل از انقلاب صنعتی با نحوه نگرش جوامع غیر دینی معاصر و همچنین تفسیر رابطه انسان با طبیعت توسط این دو گونه جوامع کاملاً متفاوت بوده است.^۳ آگاهی به تأثیرات منفی و گاه جبران‌ناپذیر طرح‌های توسعه اجرا شده در نیم قرن اخیر بر محیط زیست زمینه‌ساز مطرح نمودن «توسعه پایدار» در اجلاس فونکس ۱۹۷۱ و اعلامیه استکهلم شد. و با توجه به ابعاد مختلف آن هر سال بر گستردگی آن افزوده شد. در گزارش برانت‌لند ۱۹۸۷ «توسعه پایدار» محور مناظره درباره محیط زیست شد که نهایتاً با اعلامیه ریو ۱۹۹۲ محیط‌زیست و توسعه به عنوان یک سیستم یکپارچه مورد توجه قرار گرفت.^۴ پس از آن که سال‌ها سخن از توسعه بود، اینک مدتی است که توسعه مورد نظر و توصیف شده به صفت «پایدار» متصف گردیده است. همان‌گونه که واژه توسعه اصالتاً بر اقتصاد تکیه داشت و مراد اصلی از آن توسعه اقتصادی بود، در تعریفی که از توسعه پایدار ارایه می‌شود نیز تمرکز بر جنبه مادی حیات محسوس است. این تعریف می‌گوید: توسعه پایدار، توسعه‌ای است که نیازهای کنونی جهان را مرتفع می‌سازد بدون آن که توانایی نسل‌های آینده را در دست‌یابی به نیازهایشان با مشکل مواجه نماید.^۵ با توجه به این که تاکنون توجه به توسعه بیشتر معطوف به طبیعت و منابع طبیعی بوده، در حالی که با اندیشه عمیق‌تر، اصول منبعث از تعریف توسعه پایدار که بر مبنای جهان‌بینی تعریف شده هر تمدنی به دست می‌آید، باید اصول تعیین‌کننده و مسلط بر همه فعالیت‌های جامعه اعم از معنوی و مادی (کیفی و کمی) مورد توجه قرار گیرند. در این زمینه توجه به برخی ویژگی‌های منبعث از جهان‌بینی اسلامی که باید بر «نسخه ایرانی توسعه پایدار» حاکم باشند، هدف اصلی این مبحث است که در

ادامه به آن اشاره خواهد شد.

به‌طور اجمال می‌توان گفت که: آن چه امروزه به عنوان «توسعه پایدار» مطرح است عمدتاً به جنبه‌های مادی و فیزیکی (کمی) محیط‌زیست و در جهت حفظ وضع موجود برای نسل‌های آینده می‌پردازد، به عبارت دیگر حفاظت از منابع محیطی و توسعه پایدار اقتصادی به عنوان هدف اصلی مطرح است. که البته این خصیصه غالب و مسلط بر ایده‌ها و تفکرات سده‌های اخیر جوامع صنعتی است که تمرکز اصلی را بر امور مادی و حداکثر جنبه نفسانی و نه بعد معنوی و روحانی حیات متوجه می‌نمایند. علی‌ای حال می‌توان با ریشه‌یابی مختصات آن در جهان‌بینی اسلامی، حتی اگر نام آن نیز تغییر نکند، ویژگی‌هایی را که برای آن ارایه می‌شود تصحیح و تکمیل نمود تا شاید نسخه‌ای ملی و ایرانی از توسعه پایدار امکان معرفی یابد که ضمن عاری بودن از نقایص (مادی‌گرایی) نسخه غربی آن محسنات معنوی فرهنگ ایرانی را نیز در خود داشته باشد.^۶ جهان‌بینی اسلامی اصول و راهبردهایی را برای فعالیت و مشی انسان در طول زندگی خویش تبیین می‌نماید که مذاقه در آنها نشان از سبقت آنها بر مبانی نسخه غربی توسعه پایدار دارد. احتراز از اسراف و بطالت، استفاده از مصالح بومی، انتخاب رنگ و اشکال مناسب، توجه به نوع و روش بهره‌گیری از منابع طبیعی، انتخاب منابع انرژی مناسب؛ تلفیق جنبه معنوی و مادی حیات به عنوان بنیاد و چتر مسلط بر فعالیت‌های انسان و نتایج حاصله از آنها، احساس قابلیت انسان بر اشیاء و فضاها به عنوان عاملی در جهت حفاظت و بهره‌برداری بهتر از آنها، توجه به روح جمعی به جای فردگرایی و نمایش خویش و بسیاری ویژگی‌های دیگر را می‌توان مشخصه‌های اصلی نسخه ایرانی توسعه پایدار نامید.

۳- پاره‌ای از اصول و مبانی معماری سنتی ایران
مبانی اقتصاد معماری سنتی ایرانی، همچون



بجنورد، عمارتی سنتی: هماهنگ با اقلیم و محیط و فرهنگ

عنوان اصول اصلی حاکم بر عالم وجود مطرح می‌باشند عبارت از «عدل» و «وحدت» هستند. لازم به توضیح است که محققین مختلف، اصول مختلفی را به عنوان اصول اساسی حاکم بر عالم هستی، مطرح می‌نمایند که می‌توان غالباً آنها را به نحوی به این دو اصل ارجاع داد. مثلاً بورکهاردت سه اصل اساسی هنر اسلامی را «تعادل و توازن»، «کمال» و «وحدت» می‌داند که اینها نیز تجلیات «عدل» و «کرم» و «وحدت» به عنوان مشخصه‌های زیبایی هستند و جملگی بروز حقیقت درونی تفکری هستند که به «توحید» ارجاع می‌شود.^۷

در واقع اصل «وحدت» به موضوعاتی همچون علت اول (توحید) و تجلی نهایی (مفهوم یا کالبد) اشاره دارد و اصل «عدل» به قانون حاکم بر ایجاد و تحول دگرگونی و شدن و هر نوع عمل دیگری که در جهان هستی انجام شود، دلالت دارد. اصل «وحدت»، کلیت و هماهنگی را به نمایش می‌گذارد، و اصل «عدل»

اکثریت اصول شکل‌دهنده فعالیت‌های ایرانیان، منبث از تعالیم و جهان‌بینی اسلامی بوده که به عنوان حمیرمایه فرهنگ ایرانی و جهت‌دهنده فعالیت‌های ایرانیان نیک نهاد ایفای نقش نموده است. مبانی معماری سنتی ایرانی را در تعادل و وحدت و انسانی بودن آن می‌توان جست و جو نمود و ماطبیعتاً تجلیاتی کالبدی نیز داشته‌اند که متعاقباً از آنها سخن خواهیم گفت. در واقع مبانی اقتصاد معماری سنتی ایرانی، همان صولی بوده‌اند که هم بر عالم وجود حاکم‌اند و هم باید بر حیات انسان حکومت کنند.

ذیلاً تنها به آن دسته از اصول بنیادین معماری سنتی ایران اشاره خواهد شد که اولاً سایر اصول را می‌توان به عنوان زیر مجموعه آنها قلمداد کرد، ثانیاً به عنوان اصولی جهانی (با تمایزاتی در تعاریف) شناخته شده‌اند، و ثالثاً با موضوع مورد بحث یعنی «توسعه پایدار» در ارتباط هستند. این اصول که در وهله اول به

به اتکاء معنای خویش (قرار گرفتن هر شیء در مکانی که بهتر از آن متصور نباشد) روش کار و عمل هر پدیده را تعیین نموده و قانونمندی و هماهنگی و تناسب و اعتدال را در خویش مستتر دارد.^۸

بنابر این شکل‌گیری و حرکت و حیات و تداوم عالم وجود نتیجه اعمال عدلی است که وحدتی را به نمایش می‌گذارد که این خود نتیجه و یا یادآور وحدت خالق است یا که این جهان را به احسان و کرم خویش پدیدآورده و در جهت کمال هدایت نموده است.^۹ به بیان دیگر آرمان حیات، کمال است.^{۱۰} که اولاً در راه وصول به آن، معیارها و راهنماها و دلایلی مطرح است که سر فصل همه آنها عدل است و ثانیاً پس از وصول به آن، ظهوری رخ خواهد نمود که اصل و نهایت آن وحدت است. پس زیبایی و حتی کمالی که هدف و آرمان هر موجودی است، زیر مجموعه وحدت محسوب می‌شود. و همچنین هماهنگی و نظم و حتی هدایتی که تکویناً و یا تشریحاً در مسیر آن حرکت می‌شود، زیر مجموعه عدل می‌باشند.

اصول حاکم بر معماری اسلامی را علاوه بر اصول بنیادین وحدت و عدل، در زیر مجموعه‌های این دو نیز می‌توان مورد مذاقه بیشتر قرار داد. اگر چه جدایی قلمرو معنوی و مادی حیات در قلمرو هر اصل تقریباً ناممکن است، لیکن به منظور تمرکز بر مباحث اقتصادی، به آن دسته اصولی اشاره خواهد شد که مصادیق اقتصادی آنها و همچنین نقش‌شان بر تجلی توسعه پایدار واضح‌تر از بقیه است.

تعادل و دوری از اسراف: صفت تعادل که به عنوان تجلی عدل در فعل الهی در عالم وجود مشهود است، اصل توصیه شده تعالیم اسلامی در کلیه امور است. این اصل می‌تواند رابطه انسان با ساخته‌های خویش را تعریف نموده و آن را به راه صحیح هدایت نماید. در تعالیم اسلامی بسیاری از واژه‌های قرآنی و صفاتی که برای انسان‌های صالح مطرح است به طریقی

به صفت تعادل ارجاع داده می‌شوند، ضمن آن که صفات مختص غیر صالحین نیز غالباً به عنوان اضداد تعادل مطرح می‌باشند. در مورد واژه‌های بار مثبت از مفاهیمی چون «عدل»، «قسط»، «میزان»، «قصد»، «قدر»، «حساب» و امثالهم و در مورد واژه‌های بار منفی که در تضاد با تعادل هستند از موضوعاتی مثل «اسراف»، «اتراف»، «ظلم»، «ملا»، و از این قبیل می‌توان یاد کرد.^{۱۱} بنابر این، به‌کارگیری امکانات و مواهب در اختیار در مکان مناسب خود به نحوی که از تباه شدن آن پیشگیری شده و در فرآیندی متعادل و میانه و بدون ظلم و اسراف و تبذیر مورد مصرف و استفاده قرار گیرد، موضوعی است که تعالیم اسلامی بر آن تأکید می‌ورزد.^{۱۲}

اجتناب از بطلالت: فرهنگ اسلامی با توصیه میانه‌روی و استفاده مناسب و به‌جا از مواهب الهی، پیروان خویش را هم از انجام کارهای لغو و بیهوده و هم از پدید آوردن اشیاء تقنی و بدون کاربرد مناسب و دون شأن انسان نهی نموده است. علاوه بر آیاتی از قرآن کریم که به حق بودن خلقت آسمان‌ها و زمین و آن چه که در آنهاست اشاره دارند،^{۱۳} آیاتی نیز به این که مخلوقات به‌بازچه^{۱۴} و بیهوده و باطل^{۱۵} خلق نشده‌اند تأکید می‌نمایند. توجه به این دسته آیات تفاسیرشان و با الهام گرفتن از آنها، راهنما و الگویی متقن برای انسان و به ویژه کسانی که به نوعی دست‌اندرکار ساخت و ایجاد می‌باشند و از جمله شاخص‌ترین‌شان معماران و شهرسازان، به دست می‌آید.

بوم‌آوری: در جهت حفظ استقلال و عزت انسان و جامعه اسلامی و پیشگیری از وابستگی به اجانب و بیگانگان، مسلمین همواره به استفاده منطقی از آن چه که در اختیار دارند تشویق شده و از تبعیت از بیگانگان و تشبه به آنها و همچنین مصرف آن چه که آنان را به اجانب وابسته می‌کند منع شده‌اند. در همین راستا است که می‌توان حداکثر بهره‌وری از امکانات در اختیار بومی



جنورد، نمونه خانه مسکونی در محلات جدید

که در محیط و طبیعت انجام می‌شود نه تنها بایستی به دور از اسراف و تبذیر و تباهی و فساد باشد بلکه باید به طریقی اشیاء را به سمت کمال و برتری (کیفی) که هدف خلقت است هدایت نماید.

قناعت: قناعت به عنوان صفتی مطرح است که نه تنها زمینه‌ساز استفاده بهینه از مواهب طبیعی و اجتناب از اسراف و تبذیر است، بلکه زمینه‌ساز عزت انسان نیز می‌باشد. قناعت به معنای حداکثر بهره‌گیری از منابع در دسترس، و یا مدیریت زندگی فردی و اجتماعی بر پایه امکانات در اختیار و بدون اسراف و تبذیر و احساس حقارت و کوچکی در برابر دیگران. قناعت و عزت در واقع مبین و مروج هویت و شخصیت خاص فرد و جامعه است. هویتی که تحمیلی نبوده و واجد خویش را به مباحثات هدایت نموده و حتی سایرین را نسبت به آن خاضع می‌گرداند.

طبیعی است که اصول فوق‌الاشاره در قالب اصولی

را توصیه نمود.^{۱۶} توصیه‌ای که یکی از بهترین تجلیگاه‌های آن معماری سنتی ایرانی است.^{۱۷}

کمال جویی: تعالیم اسلامی، کل جهان و به تبع آن انسان را هدایت شده و رهرو راه کمال معرفی می‌فرماید.^{۱۸} بنابه همین اصل است که فعالیت‌های انسان و فرایند تبدیل مواد و مصالح به فراورده‌های جدید بایستی به گونه‌ای استکمال آنها را به نمایش بگذارند. و همین کمال جویی است که در تعریف هنر نیز اثر گذاشته و آن را شرافت بخشیدن به ماده می‌داند.^{۱۹} ضمن آن که طبیعت محمل زندگی انسان و سراسر آیات الهی بوده و به عنوان منبع مهم شناخت مطرح می‌باشد، هرگونه تغییر در آن بایستی در جهت رشد کرامت‌های انسانی انجام شود. اصل کمال جویی هم بر زندگی و حیات انسان مترتب است و هم این که بایستی در استفاده از کلیه مواهب الهی یکی از ملاک‌ها و معیارهای اصلی باشد. به این معنا که تغییر و تبدیلاتی

که به عنوان مبانی فعالیت‌های انسان توصیه شده‌اند از جمله توجه به مقام انسان^{۲۱} و اصلاح و آبادی زمین^{۲۱} و اجتناب از فساد^{۲۲} در آن. و به منظور رعایت عدل و حصول به وحدت مورد توجه می‌باشند.^{۲۳}

۴ - شاخه اصلی معماری معاصر ایران

این درست است که اقتصاد تعیین‌کننده بسیاری خط‌مشی‌ها برای همه چیز جهان معاصر و از جمله هنر و معماری شده است. لیکن باید توجه داشت که عامل اصلی (همچون همیشه) تفکر غالب بر جهان‌بینی حاکم است که سبب بروز اصل قرار گرفتن اقتصاد (و یا بهتر بگوییم اصل قرار گرفتن جنبه مادی و یا بعد دنیوی اقتصاد به معنای کسب درآمد) شده است. همان‌گونه که در گذشته و حتی در برخی ممالک با تمدن کهن نیز تفکر حاکم بر جوامع عامل بروز ظهور اقتصادی خاص گردیده است.

هنرمندان و معماران، در گذشته نیز به اقتصاد توجه داشته‌اند، لیکن به عنوان ابزار و وسیله‌ای برای تحصیل آرمان‌ها و اهدافی والاتر و نه این که اقتصاد و درآمد هدف باشد. آنان نیز از ماده بهره می‌گرفتند، اما قصدشان «شرافت بخشیدن به ماده» بود. قصدشان «تجلی کمال» و «عدالت» بود. هدفشان بیان حقایق الهی و معنوی بود نه کسب درآمد بیشتر برای خود یا دیگران و نه تسهیل تداوم حیات مادی انسان و نه خدمت بعد مادی حیات و نه تمرکز بر جنبه مادی حیات و غفلت از بعد معنوی و روحانی زندگی و این در حالی است که در قرون اخیر نه تنها معنویت فرهنگ‌ها و جهان‌بینی‌های پیش از رنسانس متروک می‌شوند، بلکه معنویت انسانی نیز به مرور از صحنه کنار گذاشته می‌شود. به طوری که در طول قرون ۱۶ و ۱۷ فرهنگ انسانی (اومانیزم) عنصر آرمانی خود را رفته‌رفته از دست می‌دهد. تمدن بیشتر و بیشتر جنبه مادی پیدا می‌کند، و سرانجام کار هنرمند به آنجا می‌کشد که در

پایان، در قرن هجدهم، یا خادم این جامعه مادی می‌شود یا مخدوم شخص خویش.^{۲۴} این در حالی است که قبل از آن و در دوره رنسانس سخن بر سر آزادی و استقلال هنرمند بود و بر مبنای همین فردیت، غرض آثار هنری چیزی جز بیان شخصیت هنرمند نبود. و به تعبیر هربرت رید: «در اوج رنسانس به هنری می‌رسیم که اساساً آزاد و مستقل است و منشأ و مبنای آن، فردیت هنرمند است، و غرض آن چیزی جز بیان شخصیت هنرمند نیست.^{۲۵}

معماری معاصر ایران را - اگر بتوان نام معماری بر آن نهاد - نمی‌توان بدون مبانی اقتصادی و تأثیرگذاری و تأثیرپذیری از اقتصاد رایج مورد بررسی قرار داد. به دلیل رواج سبک‌های معماری غربی در ایران و به همراه الگوهای بیگانه برای توسعه،^{۲۶} مبنای نظری معماری معاصر را نیز می‌توان همان مبانی نظری نسخه اصلی آنها دانست. این مبانی که بدو بر پایه تفکرات انسان‌گرایانه بعد از رنسانس شکل گرفته بودند، به مرور جنبه‌های معنوی انسانی خویش را رها کرده و بر بازدهی حداکثر اقتصادی به عنوان محور و شاخص اصلی متمرکز گردیدند. اگر چه برای برخی طرح‌های بزرگ شاید در وهله اول نتوان معیار مستقیم اقتصادی (کسب درآمد) را تشخیص داد، لیکن اندکی مذاقه در مبانی و اهداف آنها نشان می‌دهد که قصد اصلی به هر حال کسب هویت و ارزشی است که ریشه در مادی‌گرایی داشته و با حداقل بار معنوی درآمد اقتصادی بیشتر و وجهه مادی را طلب می‌نمایند. علی‌ای حال زمینه‌های معماری معاصر ایران به دو گروه قابل تقسیم است: مسکن و سایر ابنیه. در بخش مسکن، به‌طور عام معماری وجود ندارد و آن چه که اهمیت دارد ساخت مسکن (آن هم نه مسکنی که مراد و منظور فرهنگ ملی است) بلکه سرپناهی که همانند نسخه غرب خود ویژگی‌های خاص خود را دارد و به عنوان کالا مطرح است.^{۲۷}



سمنان، معابر جدید در محلات سکونی

۵ - معماری سنتی ایرانی و توسعه پایدار

مطالعه و بررسی معماری سنتی شهرهای تاریخی ایران نشان می‌دهد که اولاً این شهرها را می‌توان به عنوان نمونه بارزی از اصلاح زمین تلقی نمود، و ثانیاً در راه این اصلاح و عمران بهترین روش‌های دسترسی به ابزار و مصالح و همچنین مناسب‌ترین راه‌های استفاده از آنها برگزیده شده است. محدودیت منابع و امکانات، موجب اهتمام در شناخت قوانین حاکم بر عالم وجود و بالنتیجه بهره‌گیری از شده است. مهم‌ترین قانون و اصل حاکم بر عالم هستی عدالت و تجلی آن یعنی تعادل است. مروری اجمالی بر تجمعات انسانی در ایران و شیوه فعالیت‌های فردی و جمعی آنان برای تداوم حیات جامعه نشان می‌دهد که ایرانیان، نه تنها به نحو مطلوبی حافظ و مقوم تعادل بوده‌اند بلکه در به وجود آوردن محیط و فضایی متعادل برای تداوم حیات انسان نقشی بنیادین ایفا نموده‌اند. در واقع ایرانیان با شناخت صحیح عناصر طبیعی و ارتباط آنها با یکدیگر و همچنین شناسایی اصول و قوانین حاکم بر آنها و

همین‌طور توجه به نقشی که در بقا و تداوم حیات انسان ایفا می‌نمایند، محیط و فضایی متعادل و متناسب با شرایط لازم برای حیات خویش به وجود آورده‌اند^{۲۸} که ذیلاً به برخی از آنها اشاره می‌شود:

○ سلسله مراتب موجود بین قلمروهای مختلف (عمومی، نیمه عمومی، نیمه خصوصی و خصوصی) درجه مناسبی از امنیت - حتی در مقابل نگاه بیگانه - را برای ساکنین فراهم می‌نموده است. طبیعی است که امنیت مورد نظر علاوه بر جنبه‌های متعارف مثل امنیت در مقابل آسیب سایرین و پایمندی در مقابل بلایای طبیعی و مصنوعی به مقولات دیگری نیز توجه دارد که در قلمرو غیر فیزیکی حیات نیز به‌طور جدی قابل بحث می‌باشند. فی‌المثل امنیت در مقابل شیوع ارزش‌های فرهنگ‌های بیگانه، امنیت در برابر پدیده‌های متمرکز بر جنبه‌های مادی حیات همچون مصرف‌گرایی، و خودنمایی، امنیت در برابر شرایط حاصله از فعالیت‌های انسان، امنیت در مقابل اصوات مزاحم، امنیت عملکردهای و فضاها شهری و در

مقابل یکدیگر، وجوه بارز امنیت می‌باشند، که همه این‌ها تأثیری بنیادین بر برنامه‌ها و طرح‌های شهری، در زمینه سیمای عمارات و فضاهای شهری، شکل و سیما و الگوی مبلمان شهری، و جملگی مقولات مرتبط با مختصات معنوی و فیزیکی عناصر کالبدی شهر دارند.

○ همجواری و رابطه مناسب عناصر مختلف با عملکردهای متفاوت مادی و معنوی، جلوه‌ای از یگانگی و وحدت حیات انسان را به نمایش می‌گذاشت. رابطه عناصر شهری به گونه‌ای تنظیم می‌شد و کالبد آنها به شیوه‌ای طراحی و ساخته می‌شد که ضمن تعدیل جنبه‌های مادی حیات مداوماً انسان را به جنبه‌های معنوی زندگیش متذکر می‌شدند، بدون این‌که تحمیلی ناخوشایند را به او القا نمایند.

○ گردآوردن عناصر طبیعی بنابه قواعد هندسی مشخص و تلفیق آنها با عناصر ساخته انسان، یکی از نمونه‌های بارز باغ‌سازی در جهان است که ایرانیان مدع و پایه‌گذار آن بوده‌اند. در این باغ‌ها علاوه بر استفاده از عناصر طبیعی و معانی نمادین آنها، از عناصر معماری، و از آن مهم‌تر از اصول هنری و هندسی که واجد ارزش‌های فرهنگی و تجلی‌گاه باورهای روحانی و معنوی بوده‌اند در حد اعلائی استفاده می‌شده است. باغ‌ها به دو صورت عمده ظرف و مظروف ایجاد می‌شده‌اند که در حالت اول به صورت باغ‌های وسیع و در برگیرنده عمارت (ها) بودند و در حالت دوم با محاط شدن در ساختمان به صورت حیاط مرکزی عمارت و خانه‌ها ظاهر می‌شدند.^{۲۹}

○ معماری ایرانی، همواره به عنوان شاخصی از هنرمندی پدیدآورندگان آنها در ایجاد فضا و محیط مطلوب زندگی خودنمایی نموده است. تجلی هنرمندی پدیدآورندگان عمارات و شهرهای بیابانی یا حد اعلائی از شناخت محیط، شناخت نیازهای انسان، توجه به ارزش‌های معنوی، هویت، استدلال، خودکفایی، مقیاس انسانی و نحوه تلفیق طبیعت و

معماری را به نمایش می‌گذارد است. نمایشی که تجلی‌گاه محیطی متعادل برای بقا و تداوم حیات انسان در کیفیتی مطلوب بوده است.

○ یک بررسی اجمالی نشان می‌دهد که در تنظیم شرایط محیطی عمارات، پایدارترین و پاک‌ترین روش‌ها به کار گرفته شده است که اصولاً به عنوان بخشی از معماری و نه عنصر زاید و اضافه شده به آن محسوب می‌شوند. در این جا، تنها به ذکر عناوین اشاره می‌شود. بادگیرها به عنوان شیوه‌ای کارآمد در خنک کردن داخل عمارات ایفای نقش می‌کرده‌اند. حیاط‌های مرکزی که همواره سطحی سایه‌دار را تأمین می‌نموده‌اند. گودی حیاط‌ها سبب محبوس شدن هوای خنک می‌شده است. و جود آب و گیاه در داخل حیاط‌های مرکزی به تلطیف هوا کمک می‌نموده است. ایوان‌های شمالی و جنوبی حیاط‌ها، در واقع دو فضا و دو قلمرو تابستانی و زمستانی را تأمین و تعریف می‌کرده‌اند. ضخامت دیوارها و سقف‌ها، اتلاف انرژی در زمستان و همچنین نفوذ گرمای تابستان را به حداقل می‌رسانده است. سقف‌های گنبدی و جنس و رنگ آنها میزان نفوذ گرما را تقلیل می‌داده است. ابعاد مناسب در و پنجره‌ها و سطح منطقی شیشه خور آنها میزان مناسب و مورد نیاز نور و انرژی را به داخل عمارت هدایت کرده و از اتلاف انرژی نیز پیشگیری می‌نموده است. معماران ایرانی فرم‌هایی را شناسایی و در آثار خویش مورد استفاده قرار می‌دادند که عامل افزایش سایه روی سطوح بودند. این اشکال ضمن پاسخ‌گویی مناسب به مسایل ایستایی و فنی، به ایجاد تعادل و حفاظت داخل ساختمان از گرما و سرمای خارج نیز کمک می‌کردند و بدین وسیله نیاز به انرژی اضافی را تقلیل می‌دادند. همان‌گونه که گذشت برای تنظیم شرایط محیطی داخل عمارات حداکثر استفاده از انرژی‌ها تجدیدپذیر مناسب (باد و آفتاب و آب) را به عمل می‌آوردند. در خارج عمارات و فضاهای عمومی نیز حفاظت انسان



تهران، شکل، مصالح، و... در تقابل با توسعه پایدار

به ندرت از مکان‌های دورتر) استفاده شود، و ثانیاً از مصالح با کیفیت پایین با اتخاذ شیوه‌های ساختمانی مناسب و خوب به نحوی که ضعف مصالح جبران شود، استفاده می‌شده است.^{۳۱}

○ جهت‌گیری مناسب عمارات بهترین زمینه استفاده از انرژی و با حفاظت ساکنین از شرایط نامناسب اقلیمی را فراهم می‌نموده است. همجواری و تماس عمارات با یکدیگر علاوه بر تقلیل تبدلات انرژی، نوعی وحدت و یگانگی را در بافت شهری به وجود می‌آورد که می‌توان آن را به عنوان حسرت شهرهای معاصر یاد کرد. حیاط‌هایی که ارتباط انسان را با آسمان فراهم می‌نمودند. حیاط‌هایی که تأمین‌کننده ارتباط انسان با عناصر طبیعی (آب و گیاه و نور هوا) بودند. حیاط‌هایی که مکان امن و آرامی برای اهل خانه و به دور از دید بیگانگان بودند. فضاها و اتاق‌های خانه‌ها و عمارات، چگونگی به حیاط (یک فضای خصوصی) گشوده

در مقابل شرایط نامطلوب اقلیمی کویر و گرمای تابستان در پناه سایه‌هایی که با دیوارهای بلند و یا درختان فراهم می‌گردید، تأمین می‌شد.

○ مصالح مورد استفاده در معماری ایرانی ویژگی‌های خاصی داشتند. از جمله این که نه تنها تولید آنها تخریبی را به محیط و طبیعت تحمیل نمی‌کرد بلکه ضایعات آنها و مواد حاصل از تخریب ابنیه پس از عمر مفید ساختمان‌ها نیز به طبیعت آسیب نرسانده و به آسانی در طبیعت هضم می‌شدند. مضافاً این که مصالح نقشی مهم در بازتاب انرژی واصله از خورشید ایفا می‌نمودند. و مصالح بومی از منطقه و بدون ایجاد وابستگی قابل دسترسی بودند. در مورد مصالح مصرفی در ابنیه شهرهای بیابانی، به‌طور اجمال می‌توان گفت که خودبستگی^{۳۲} در معماری ایرانی به حد اعلا وجود داشته است. به این ترتیب که اولاً سعی بر آن بوده تا از مصالح مرغوب محلی (و در صورت نیاز

می‌شوند و به این ترتیب ضمن تأمین خلوت و خصوصیت برای فعالیت‌های خانوادگی و خصوصی، نور و هوای خود را مستقیماً از آسمان می‌گیرند. و این را می‌توان تمثیلی از پشت کردن محمل انسان (خانه) به دنیا و چشم دوختن او به آسمان (محل نزول برکات الهی و سمبل ماوراءالطبیعه) دانست.

○ علاوه بر پاسخ‌گویی معماری ایرانی به معیارهای مادی در زمینه انرژی، منابع طبیعی، بهره‌وری مناسب و امثالهم، این معماری ویژگی‌هایی را دارا بوده است که این ویژگی‌ها به تجلی یک زندگی معنوی پایدار و روبه‌کمال نیز کمک شایان توجهی می‌نموده است. در واقع این‌گونه از معماری هم تجلیگاه ارزش‌های اعتقادی و فرهنگی مردم بوده است و هم این‌که به تقویت ارزش‌های معنوی فرهنگ ملی یاری می‌رسانده است. از جمله این‌که با در نظر داشتن اصل عدل و زیر مجموعه‌های آن، کالبد و فضا و محیطی برای زیست انسان به وجود می‌آمد که تجلیگاه اصلی دیگر یعنی وحدت بود. این وحدت به طرق گوناگون به منصفه ظهور می‌رسید و یا به عبارتی عوامل مختلفی در تجلی وحدت مورد نظر ایفای نقش می‌نمودند. وحدت موجود در معماری شهرهای ایرانی از طریق استفاده از مصالح همگون و متجانس، بهره‌گیری از اشکال هندسی متناسب، پیوستگی عناصر و اشکال و فضاها و ارتباط منطقی آنها با یکدیگر، تجلی مقیاس انسانی، بهره‌گیری از عناصر طبیعی در مکان‌های مناسب، تلفیق و همجواری و تناسب عملکردهای مختلف پاسخگو به قلمروهای معنوی و مادی حیات انسان، تفویض مرکزیت شهر و محله به عنصر معنوی و مذهبی شهر (مسجد، تکیه، حسینیه یا زیارتگاه)، تلطیف طبیعت و خشونت احجام و مصالح با بهره‌گیری از هنرهایی همچون خطاطی (آیاتی از قرآن کریم)، گچ‌بری، کاشی‌کاری، منبت‌کاری و امثالهم. خلاصه این‌که در این زمینه مقولات مهمی قابل بررسی است که اهم آنها

عبارتند از: تعادل در توجه توأم به نیازهای معنوی و مادی انسان به عنوان مهم‌ترین زمینه تعادل در نحوه و میزان استفاده از منبع طبیعی، تعادل در ایجاد انواع آلودگی‌های محیطی و توان محیط در جذب و هضم آنها، تعادل بین محیط مصنوع و طبیعت و مختصات معنوی - روانی و جسمانی انسان، تعادل در نحوه بهره‌گیری از انواع انرژی‌های موجود در دسترس به نحوی که تعادل موجود در طبیعت در جهت نقص برهم نخورد، و اهتمام بر یافتن روش‌های استفاده از انرژی‌های طبیعی همچون نور و گرمای خورشید و حرکت باد و حرارت درون زمین و حرکت موج و قدرت آب و امثالهم،^{۳۲} خلاصه این‌که بافت‌های شهری و معماری عمارات، بافت و کالبدی منسجم، واحد، متعادل، هماهنگ، زیبا، انسانی، متواضع، مستقل، با نظمی ارگانیک و متقن، و به دور از ریا و تفاخر و خودپسندی و اسراف و زشتی را به نمایش می‌گذارند که با احتراز از ذکر جزئیات آنها، مطالعه در این زمینه به منابع ذی‌ربط ارجاع می‌شود.^{۳۳}

۶ - معماری معاصر ایران و توسعه پایدار

در مورد رابطه توسعه پایدار، با معماری معاصر ایران و فرهنگ ایرانی می‌توان گفت که تحولات معماری و شهرسازی ایران نشان می‌دهد که با ورود اندیشه‌ها و الگوهای بیگانه و تقلید و تکرار بدون ارزیابی آنها، برنامه‌ها و طرح‌های توسعه و عمران شهرها و در نتیجه رابطه انسان و طبیعت و کالبد شهرها نه تنها در زمینه‌های معنوی و فرهنگی که حتی در مقوله اقتصادی نیز در جهتی مخالف گذشته و بدون اتکا به مبانی نظری منبعث از باورها و نیازها و واقعیت‌های جامعه به جریان افتاد.^{۳۴} این پدیده عامل دگرگونی محیط و دوری روزافزون آن از توسعه پایدار گردیده است. نگاهی گذرا به طرح‌ها و برنامه‌های توسعه شهری معاصر نشان‌دهنده این مطلب بنیادین است که

هیچگاه به لزوم و وجود مبانی نظری و ابداع و پیشنهاد الگویی ملی و مبتنی بر فرهنگ اسلامی - ایرانی برای ایجاد محیط زندگی انسان توجه جدی مبذول نگردیده است.^{۳۵} به عبارت دیگر هر آن چه که به نام توسعه شهرسازی و معماری و فن آوری و سایر فعالیت‌های مرتبط با فن آوری انجام شده، فاقد مبانی نظری‌ای بود، که منبعث از جهان‌بینی و فرهنگ ملی باشد.^{۳۶} این فندان مبانی نظری، سبب می‌گردد تا الگوها و ایده‌های بیگانه که عاری از توجه به جنبه‌های معنوی حیات، و بالعکس متمرکز بر جنبه‌های مادی و عمدتاً اقتصادی برده‌اند مورد استفاده و مبنای طرح‌ها و برنامه‌ها قرار گیرند. این اشکالات از طبیعت و ماهیت «توسعه» و مبانی خاستگاه آن یعنی تفکر حاکم بر مغرب زمین سرچشمه می‌گیرد. تاریخ ظهور این اصطلاح [توسعه] حاکی از آن است که مفاهیم جدید که پیدا با فروپاشی تمدن مسیحی و ظهور انقلاب صنعتی پیوند نزدیکی داشته است. انسان که لفظ توسعه را خصوصاً در کشورهای غیر غربی به کار می‌گیرند در واقع پیش از به‌کارگیری آن، مبادی تفکر جدید غرب را پذیرفته‌اند. سخن گفتن از توسعه به معنی پذیرش مفهوم «توسعه یافتگی» و در نتیجه قبول این معناست که برنامه‌های منطبق با الگوهای ممالک «توسعه یافته» باید به مورد اجرا گذارده شود.^{۳۷} به همین دلیل است که همیشه تأکیدمان بر این است که اولاً به مبانی نظری ایده‌ها و آراء وارداتی باید توجه کرد و ثانیاً باید به دنبال پی‌افکندن الگویی ملی برای نظریه‌های جدید بود و ثالثاً بایستی معیارهای برآمده از مبانی نظری مبتنی بر جهان‌بینی اسلامی و فرهنگ ملی را در اختیار داشت تا آراء و طرح‌ها و برنامه‌های وارداتی را با آنها مورد ارزیابی قرار گیرد. معماری معاصر در بسیاری زمینه‌ها در تقابل با اصول فرهنگ ملی و توسعه پایدار می‌باشد که فهرست‌وار به برخی از آنها اشاره می‌شود:

○ چنانچه گذشت، معماری معاصر ایران، به

شدت متأثر از معماری بیگانه است، که همین خود مغایرت و تقابل آن با یکی از اصول لازم‌الرعایه در احترام به فرهنگ ملی و ارابه مدلی از توسعه پایدار را که با فرهنگ ایرانی هماهنگ باید برملا می‌سازد. معماری بیگانه که به تبعیت از هنر آنان با تمرکز بر انسان‌گرایی پس از رنسانس رشد کرده بود، به پیروی از استحاله این تفکر به سمت مادی‌گرایی و تمرکز بر جنبه دنیوی حیات و طلب بازدهی حداکثر اقتصادی سوق داده شد.

○ با غفلت نسبی از وحدت و کلیت معماری و کالبد شهر و هماهنگی و تناسبی که بایستی بین اجزاء آن برقرار باشد، یکی از مصادیق تقابل با توسعه پایدار به منصفه ظهور می‌رسد. از آنجای که در معماری معاصر ایران، نه معماری بلکه فرد (معمار یا مالک) است که مطرح می‌باشد و به انحاء گوناگون در پی نمایش و مطرح نمودن خویش است، زمینه بسیاری مشکلات و تقابل‌ها با توسعه پایدار بروز می‌نماید. این اشکال که ظاهراً موضوعی اقتصادی است ریشه در بحران هویت عصر حاضر دارد که هر شخصی در پی مطرح نمودن خویش است که معماری نیز به عنوان یکی از وجوه بارز این نمایش «من» برگزیده شده است. فردگرایی (تنهایی و یا تمایل به تنهایی) از ویژگی‌های مهم رواج تفکرات معاصر است که بر شکل و فرم و در نهایت بر اقتصاد معماری تأثیر می‌گذارد. از دیگر پدیده‌های دنیای معاصر رواج مدگرایی و تفاخر و به عبارتی جست و جوی هویت در میان عوامل و ظواهر مادی حیات است و ناگفته تأثیر بسیار جدی آن بر معماری به ذهن متبادر می‌شود.

○ معماری معاصر ایران، در یک استحاله فرهنگی و عملکردی از معماری به سمت ساختمان‌سازی و به تبع آن شهرسازی نیز که از ایجاد فضای حیات جمعی به سمت تولید مسکن^{۳۸} سوق یافته است، در پی تأمین سود و درآمد اقتصادی هستند. بدیهی است که کسب

درآمد موضع مذمومی نیست لیکن اثرات منفی تمرکز بر چنین رویه‌ای با ویژگی‌هایی که دارد بر هنر و معماری موضوعی است که به راحتی نمی‌توان از آن گذشت. اولاً چون سود مادی دارد بسیاری غیر حرفه‌ای‌ها و غیر معماران، غیر مسئولانه به آن دست می‌یازند. چون سرمایه حرف اول را می‌زند، به ناچار معماران به خدمت اهداف صاحبان سرمایه درمی‌آیند و چون ضابطه کنترلی وجود ندارد ارزش‌های معماری همچنان مورد غفلت قرار می‌گیرند.

○ به جهت تمرکز بر کسب درآمد، بسیاری عمارات قابل استفاده، تخریب و به جای آنها مسکن بیشتر و کوچک‌تر ساخته می‌شود، بدون این که برای تأمین نیازهای فرهنگی، آموزشی، درمانی، مذهبی، خرید، و رفت و آمد جمعیت اضافه شده، برنامه‌ای در دست - و حتی در فکر - باشد. یکی دیگر از اثرات منفی چنین رویه‌ای تخلیه حجم زیاد زیاده‌های ساختمانی در طبیعت است که هضم آنها در طبیعت به سادگی امکان‌پذیر نیست و هزینه‌های هنگفتی را طلب می‌نماید. این ضایعات عبارت از بتون، شیشه، انواع پلاستیک‌ها، مواد شیمیایی و امثالهم می‌باشند، که سالیان دراز بدون تغییر باقی می‌مانند. این رویه نشان از عدم همراهی معماری معاصر با اصول توسعه پایدار می‌دهد، که نتیجه آن ترجیح کسب درآمد بر مسایل زیست محیطی و حفظ سرمایه‌های ملی است.

○ مسأله مصرف انرژی برای مقاصد گوناگون، یکی از مهم‌ترین معضلاتی است که معماری معاصر عامل آن بوده است. در واقع غالب امور مرتبط با انرژی همچون سرد کردن، گرم کردن، تأمین روشنایی، تأمین حرکت‌های عمودی (و در برخی اوقات افقی)، تأمین آب و امثالهم، از انرژی فسیلی یا برق استفاده می‌کنند. تقریباً در تمام ایام سال دستگاه‌های تهویه فعال هستند و حتی در طول روز روشنایی مورد نیاز با انرژی الکتریسیته تأمین می‌شود. به این ترتیب به عکس

معماری ایرانی، معماری معاصر حداقل استفاده را از انرژی‌های طبیعی (آفتاب و باد و آب) به عمل می‌آورد. یکی از ادله این امر را می‌توان ارزان بودن - نیروی برق و انرژی‌های فسیلی - دانست. دلیل دیگر آینده‌نگر نبودن طراحان و عدم وجود و التزام برنامه‌ای ملی و جامع‌نگر و دور اندیش است که با یک محاسبه ساده مدت استهلاک سرمایه‌گذاری اولیه در اثر صرفه‌جویی در انرژی را به طراح و مالک اعلام نماید. به بیان دیگر تمایل به کسب درآمد (یا بازدهی اقتصادی) حداکثر، تأثیراتی بر روند معماری یا ساختمان‌سازی نهاده است که در حالی که ظاهراً فواید اقتصادی را برای گروه‌ها و افراد خاص تأمین می‌نماید، در بلند مدت و برای جامعه خسارات جبران‌ناپذیری را به همراه دارد. فی‌المثل بخش مسکن، بزرگ‌ترین تلف‌کننده انرژی در کشور می‌باشد.^{۳۹}

○ تقریباً وجه مطلوب و مناسب هیچ‌یک از اصول مذکور در مورد معماری سنتی ایران و همچنین مبانی توسعه پایدار در اکثریت آثار معماری معاصر ایرانی مشهود نیست. و تنها آن چیزی که مشخصاً خود را می‌نماید، وجه اقتصادی و درآمدزایی و یا توجیه اقتصادی آن به ویژه در کوتاه مدت است. این مورد مهم نیز غالباً به صورت مجرد و برای یک ساختمان خاص و در دوره‌ای مشخص مدنظر قرار می‌گیرد. در حالی که یک برنامه اقتصادی (که حتی نسبت به سایر جهات حیات انسان نیز احساس مسئولیتی ننماید) بایستی به کل جامعه و سایر زمینه‌های اقتصادی و برای مدتی طولانی توجه نماید.

به عنوان نتیجه‌گیری مطلب می‌توان گفت که اگر چه معماری معاصر، متمرکز بر بعد مادی حیات انسان و بالتبع متوجه امور (بازدهی) اقتصادی حداکثر می‌باشد، لیکن به جهت غفلت از بعد روحانی و معنوی حیات، از جامع‌نگری و توجه به وحدت حیات و همچنین از اصول و قوانین حاکم بر عالم وجود غافل

مانده و در اثر خدشه‌ای که به نظام قانونمند زیست بر کره زمین به وجود می‌آورند، حتی در بلندمدت در زمینه اقتصادی نیز توفیقی حاصل نخواهند کرد.

۶- نتیجه‌گیری و پیشنهادها

از میان منابع علم و دانش بشری که بسته به باورها و فرهنگ هر جامعه از تنوعی خاص برخوردارند، یک منبع (یعنی تجارب جوامع بشری) که علی‌الظاهر ارتباط بیشتری با این پژوهش دارد برای تدقیق بیشتر برگزیده شده است. وجه مورد نظر این منبع نیز متمرکز بر تجارب معماری تمدن ایرانی در پاسخ‌گویی به اصول مورد توجه توسعه پایدار خواهد بود. با تجزیه و تحلیل اصول حاکم بر معماری فوق‌الاشاره مشخص می‌شود که وجه بارز این معماری، هم‌زیستی مسالمت‌آمیز و انسانی با طبیعت بوده است. این هم‌زیستی را می‌توان در استفاده مناسب و بهینه از منابع طبیعی به همراه کمترین تخریب طبیعت مورد پی‌جویی قرار دارد. این موضوعات دقیقاً زمینه‌های مبتلا به جوامع معاصر می‌باشند، که به همراه دگرگونی در ارزش‌ها و باورهای مردم در رابطه با تعریف نسبت انسان با طبیعت بروز نموده و به عنوان بلیه‌ای برای انسان معاصر، وی را به ایجاد نهضت‌هایی همچون توسعه پایدار، و گروه‌های مختلف طرفدار حفظ محیط‌زیست و طبیعت ترغیب و حتی ناچار نموده است. علی‌ای حال با توجه به آشنایی مختصری که با ویژگی‌های معماری ایران و اصول توسعه پایدار به عمل آمد، می‌توان توجه به نکاتی را توصیه نمود:

○ توجه به این که ضرورت دارد که در توصیه بهره‌گیری از تجارب گذشته، تکرار کالبد و جسد گذشته مدنظر نیست. بلکه آن چه که مهم است اصول حاکم بر آنها می‌باشد. این اصول که می‌توانند تحت عنوان اصول معماری و شهرسازی بومی مورد مذاقه قرار گیرند در صورت تلفیق با ارزش‌های فرهنگی (که

در گذشته نیز در حد مطلوبی مورد توجه بوده‌اند) و همچنین امکاناتی که فن‌آوری روز در اختیار انسان قرار می‌دهد، بدون آن که تقلید و تکرار بدون برنامه الگوهای بیگانه و یا غیربومی مورد نظر باشد، می‌توانند هدایت‌گر برنامه‌ریزان و طراحان قرار گرفته و محیط مطلوب و مناسب زیست انسان را به وجود آورند.

○ تمرکز بر بهره‌گیری از منابع انرژی تجدیدپذیر همچون انرژی آفتاب و باد یکی از اصول اصلی است که توجه جدی دست‌اندرکاران را طلب می‌نماید. موضوع قابل توجه آن است که در این زمینه نمی‌توان و نباید منتظر اختراع و ابتکار بیگانگان بود تا از دستاوردهای فنی آنان استفاده شود. چرا که همه آزمایشات و تجارب و مصالح و فن‌آوری مورد نظر آنها با توجه به اقلیم و محیط طبیعی و حتی ارزش‌های فرهنگی جامعه خودشان انجام می‌شود و هرگونه تقلید و الگوبرداری از تجارب آنان در آینده برای ما مشکل‌آفرین خواهد بود. از سوی دیگر ادامه روال جاری حاصلی جز اضمحلال منابع تجدیدناپذیر موجود، افزایش آلاینده‌های محیطی، تخریب محیط طبیعی، و اتلاف سرمایه‌های ملی نخواهد داشت.

○ در رابطه با نحوه استفاده از الگوها و مصالح غیر بومی، باید توجه کرد که بهره‌گیری از آنها حتی اگر از اقلیم یک کشور متفاوت باشند در نتیجه اختلافاتی که در تعادل‌های محیطی به وجود می‌آورند، باعث بروز مشکلات عدیده‌ای خواهد شد. از جمله آنها معماری ناهماهنگ با اقلیم و با هویت شهر است. یکی دیگر از مشکلات نیاز به انرژی و فن‌آوری و امکانات مالی برای ایجاد شرایط محیطی مناسب زیست انسان است. این موضوع علاوه بر نیاز به بودجه گزاف و نیروی انسانی متخصص باعث تسریع تخریب محیط و آلودگی در آن خواهد بود. مصالح محلی و بومی با تخریب ساختمان، به آسانی قابلیت جذب در طبیعت را دارند در حالی که مصالح جدید از جمله پلاستیک‌ها،

شیشه، بتون و مصالح پتروشیمیایی ضمن عدم قابلیت یا صعوبت و هزینه‌زا بودن جذب در محیط، آسیب‌هایی را نیز به آن وارد می‌کنند. امکان طرح موضوع مقاومت بهتر مصالح جدید در مقابل بلایای طبیعی و غیرطبیعی (زلزله، سیل و آتش‌سوزی) وجود دارد. در پاسخ، این سؤال ساده قابل ذکر است که اولاً تاکنون چه میزان و چه تعداد تحقیق در مورد کارایی و یا افزایش کارایی مصالح بومی در مقابل بلایای طبیعی و غیرطبیعی شده است؟ که پاسخ این است: تقریباً هیچ. آیا هیچ به این موضوع فکر شده است که در صورت وقوع زلزله‌ای در بافت‌های جدید شهری چه مقدار از نماها (آجر و سنگ و شیشه و آلومینیوم) به سطح معابر آوار شده و تردد نیروهای امدادی را غیرممکن می‌نمایند.

○ یکی از مهم‌ترین مقولاتی که آینده را به گذشته متصل می‌نماید عبارت از مطالعه و شناخت اصول حاکم بر زندگی و فعالیت در اقلیم متفاوت می‌باشد. اصولی که امروزه نیز در نظریات و تئوری‌های جدید همچون نظریه «توسعه پایدار» مطرح می‌باشد. اصولی که به کار بستن آن‌ها، نه تنها آلودگی و ضایعه و تخریبی را به محیط زیست تحمیل نمی‌نماید، بلکه عاملی در جهت کمال بخشیدن به محیط نیز خواهند بود. نکته مهم در این است که بسیاری از این روش‌ها و مصالح (از جمله شیوه معماری، باغ‌سازی، حفر قنات، به‌کارگیری مصالحی همچون آجر و کاهگل، و امثالهم) امروزه نیز در حد مطلوب قابل استفاده‌اند. و مانند برخی از روش‌ها و مصالح نیستند که جایگزین مکانیکی مطلوبی یافته و تکرار آنها به صلاح نباشد. که البته این امر نیازمند به خود آمدن و رهایی از خودبستگی و جست و جوی هویت ملی و همچنین اصلاح کیفی و کمی روزبه‌روز آن‌ها با انجام تحقیقات و مطالعات مناسب می‌باشد.

○ ضمن آن که توجه به آثار کیفی و ارجحیت

پاسخ‌گویی به نیازهای انسان در برنامه و طرح‌ها توصیه می‌شود، ملحوظ داشتن آثار بلندمدت نیز موضوعی است که توجه جدی برنامه‌ریزان و طراحان را جلب می‌کند. فی‌المثل توجیه اقتصادی نایستی به عنوان تنها ملاک اجرای یک عمارت مدنظر قرار گیرد. بلکه ضمن ملحوظ داشتن نیازهای جامعه انسانی، تبعات اقتصادی آنها از جمله میزان انرژی مورد نیاز، میزان انرژی تلف شده در طول زمان، هزینه‌های نگهداری و مرمت، طول عمر مفید عمارت، و... بایستی در ارزیابی‌ها مورد توجه و محاسبه جدی قرار گیرند. در واقع در بررسی و تجزیه و تحلیل آثار معماری، پس از حفظ اولویت و ارجحیت انسان، توجه به آثار و تبعات اقتصادی بلندمدت طرح‌ها توصیه می‌شود.

○ به‌طور اجمال می‌توان گفت که: اولاً نه تکرار و تقلید بدون ارزیابی اعمال و تجارب دیگران توصیه می‌شود، و نه تکرار الگوها و کالبد گذشته، بلکه ارزیابی و انتخاب نکات مثبت و مفید سایر ملل (با توجه به مکان و زمان و فرهنگ) و روش‌یابی بهره‌گیری از اصول معماری سنتی ضرورت دارد،^۴ این تعادل و هماهنگی در مقولات زیر کاملاً قابل درک و شناسایی می‌باشد: ارتباط انسان با طبیعت و عناصر طبیعی در فضاهای مختلف زیست، استفاده از مصالح بومی، بهره‌گیری از سیستم‌های تنظیم شرایط محیطی مناسب هر اقلیم با فن‌آوری در دسترس و به دور از وابستگی، تلفیق مناسب عناصر طبیعی و معماری، انتخاب عناصر معماری مناسب با اقلیم، انتخاب اشکال و رنگ‌ها و مصالح مناسب در پاسخ به شرایط محیطی، و بسیاری مقولات مرتبط از این دست.

پی‌نوشت‌ها و مراجع

۱ - مراد از واژه سنت در اینجا، مفاهیم و موضوعات کهنه و تاریخی و متروک نیست. بلکه مقصود مفاهیم و موضوعاتی است که به عنوان سنت حیات ایرانیان جامع آرمان‌ها و اهداف حیات آنها بوده

و با اتکا به جهان‌بینی مردم به عنوان برنامه زندگی که البته با اصول ثابت خود می‌تواند تفسیر و تجلی متناسب زمان و مکان را به خود بگذرد. برای توضیح مطلب رجوع کنید به نفی زاده، محمد، نسبت و رابطه سنت، نوگرایی و مدرنیسم در مباحث هنری و فرهنگی، فصلنامه هنر، شماره ۴۲، زمستان ۱۳۷۸

۲ - طباطبایی ره [علامه] سیدمحمد حسین (ترجمه موسوی همدانی، سیدمحمد باقر)، تفسیر امیران، (جلد ۱۱)، محمدی، تهران، ۱۳۶۲، ص ۶۵

۳ - رجوع کنید به:

Simmons, Ian, *Interpreting Nature: Culture Constructions of the Environment*, Routledge. London. 1993

۴ - رجوع کنید به:

Yearbook of the U. N. 1992. Vol. 46, p673

۵ - رجوع کنید به:

E. A. Cook and H. N. Van Lier (eds). *Landscape Planning and Ecological Network*. Elsevier. Amsterdam. 1994

۶ - رجوع کنید به امین زاده، بهاز و نفی زاده - محمد، ریشه‌های توسعه اقتصادی پایدار در جهان‌بینی اسلامی، مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۱۴۶ - ۱۴۵، مهر و آبان ۱۳۷۸

۷ - بورکهاردت، نیتوس (ترجمه سیدمحمد آوینی)، نقش هنرهای زیبا در نظام آموزشی اسلام، آوینی، سیدمحمد (مترجم و گردآورنده)، جاودانگی و هنر، برگ، تهران، ۱۳۷۰

۸ - این دو اصل در تعالیم اسلامی نیز مورد تأکید قرار گرفته‌اند. از جمله «الذی خلق سبع سموات طباقاً ما ترى فی خلق الرحمن من تفاوت فارجع البصر هل ترى من فطور» * ثم ارجع البصر کثرین بقلب الیک البصر خاسئاً و هو حسیر: آن خدایی که هفت آسمان بلند را به طبقاتی منظم بیافرید و هیچ در نظم خلقت سستی و خلل در آن توانی یافت؟ باز دوباره به دیده بصیرت دقت کن تا دیده تو حرد و زیون و خسته (نقصی نیافته) به سوی تو بازگردد (و به حسن نظم الهی بینا شود). (قرآن کریم، سوره ملک، آیات ۳ و ۴) از سوی دیگر آیه شریفه ۹۰ سوره مریم «تکاد السموات ینفطرن منه و ینشقن الارض و تخزل الجبال هدا: نزدیک است از این گفتار زشت و پندار باطل» آسمان‌ها از هم فرو ریزند و زمین بشکافد و کوه‌ها متلاشی شوند. نشان از وابستگی و پیوستگی و وحدت عالم وجود دارد که حتی بیان موضوعی زشت و نامربوط و ناموزون و خارج از عدل، موجب نزدیکی از هم پاشیدگی آن می‌گردد. و این بهترین دلیل کلیت و وحدت و همبستگی اجزاء عالم وجود می‌باشد. عدل نیز به عنوان صفت بارز فعل الهی، اصلی است که بدون آن امکان بقای جهان وجود ندارد: «شهدالله انه لا اله الا هو و الملائکه و

اولوالعلم قائماً بالقسط»: خدا به یکتایی خود گواهی دهد که جز ذات اقدس او خدایی نیست و فرشتگان و دانشمندان نیز به یکتایی او گواهی دهند او نگهبان عدل و درستی است و «ومن یأمر بالعدل و هو علی صراط المستقیم»: آن که امر کند به داد و اوست بر راهی راست» و «ان الله یأمر بالعدل و الاحسان: همانا خدا خلق را فرمان به عدل و احسان می‌دهد (قرآن کریم، سوره نحل. آیه ۹۰)

۹ - «والذی قدر فهدی: و آن که تقدیر کرد پس هدایت کرد» (اعلی ۳) «والذی خلقک فسیوک فعدلک»: آن که آفریدت پس راست آوردت پس معذلت ساخت» (انفطار ۷). ۱۰ - این نیز تعریفی عام است که هر جهان‌بینی و فرهنگی تعریف خاص خویش از کمال را مطرح می‌نماید. بی‌مناسبت نیست به اهداف حیات و فعالیت انسان در جهان‌بینی اسلامی که معادل کمال او می‌باشند، توجه شود.

۱۱ - برای مطالعه در معنای این مفهوم فی‌المثل رجوع کنید به معنای واژه‌هایی همچون «حنیف» و «فصد» و «عدالت» که در فرهنگ اسلامی کاربرد دارند:

- [امام] علی ابن ابیطالب ع، ترجمه و شرح، نهج البلاغه (مجموعه خطبه‌ها، نامه‌ها و سخنان کوتاه)، فیض الاسلام، سید علی‌نقی کلاه، خاور، تهران، ۱۳۵۱، نامه ۳۱، ص ۹۹۷

- طباطبایی، [علامه] سیدمحمد حسین، (ترجمه موسوی همدانی، سیدمحمد باقر)، تفسیر المیزان، (جلد ۱۲)، محمدی، تهران، ۱۳۶۲

- جوادی آملی، عبدالله، تفسیر موضوعی قرآن مجید (ج ۵)، مرکز نشر فرهنگی رجاء، تهران، ۱۳۶۶ سایر صفات نیز وضوحی خاص دارند که از ذکر جزئیات آنها خودداری شده و فقط به برخی آیات مرتبط اشاره می‌شود: اعراض از لغو (مؤمن: ۳)، اجتناب از اسراف (اعراف: ۳۱)، اندازه مقدار (فرقان: ۲)، مپانه روی (لقمان: ۱۹)، توازن (حجر: ۱۹)، حکم به قسط (نسا: ۱۹)، حکم به عدالت (مائده: ۸)، نتیجه ظلم (قصص: ۵۹)، حساب (یونس: ۵)، نکوهش متروغ (هود: ۱۱۶)، نکوهش اسراف (اعراف: ۳۱) و میزان (رحمن: ۹ - ۷). ۱۲ - از جمله رجوع کنید به قرآن کریم، سوره‌های شعراء: ۲ - ۱۵۱، فرقان: ۶۷ و یونس: ۸۳ و...

۱۳ - «و ما خلقنا السموات و الارض و ما بینهما الا بالحق» (قرآن کریم، سوره حجر، آیه ۸۵). ۱۴ - «و ما خلقنا السموات و الارض و ما بینهما الا بعین» (قرآن کریم، سوره انبیاء آیه ۱۶). ۱۵ - «و ما خلقنا السماء و الارض و ما بینهما باطلا» (قرآن کریم، سوره ص، آیه ۲۷).

۱۶ - «تسلکوا مسالک اعدائی کما هم اعدائی: خداوند به یکی از پیامبران وحی نمود، که به مؤمنان بگو: پوشاک دشمنان مرا ننوشید، و خوراک آنان را نخورید، و راه رسم آنان را در پیش نگیرید، که اگر چنین کنید همچون دشمنان من دشمن من خواهید شد. (وسایل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۷۴، به نقل از اراکی، محسن ۱۳۷۸) نظام اسلامی، عمران شهری، روزنامه اطلاعات، شماره

۲۱۷۲۱، ۲۱ شهریور ۱۳۷۸

۱۷ - از جمله رجوع کنید به پیرنیا، محمد کریم، شیوه‌های معماری ایرانی، نشر هنر اسلامی، تهران، ۱۳۶۹

۱۸ - قرآن کریم، سوره‌های طه: ۵۰ و اعلی: ۳

۱۹ - نصر، سیدحسین (ترجمه آوینی، سیدمحمد)، هنر قدسی در فرهنگ ایران، در آوینی، سید محمد (مترجم و گردآورنده)، جاودانگی و هنر، برگ، تهران، ۱۳۷۰

۲۰ - «الم نروان الله سخر لکم ما فی السموات و ما فی الارض»: آیا شما مردم به حس مشاهده نمی‌کنید که خدا انواع موجوداتی از که در آسمانها و زمین است برای شما مسخر کرده است. (قرآن کریم، سوره لقمان، آیه ۲۰). ۲۱ - «هو انشاؤکم من الارض و استعمرکم فیها»: او خدایی است که شما را از خاک آفرید و برای عمارت و آباد کردن زمین بسرگماشت» (قرآن کریم، سوره هود: ۶۱). ۲۲ -

«ولانفسدوا فی الارض بعد اصلاحها» (قرآن کریم، سوره اعراف: ۵۶). ۲۳ - با عنایت به آیات پی‌نوشت‌های فوق‌الاشاره، به اجمال می‌توان گفت که با توجه به مقام انسان در عالم خلقت و مقام خلیفه الهی و مسجود ملائک بودن وی، و این که عالم وجود مسخر او خلق شده است و همچنین به دلیل رسالتی که حمل بار امانت الهی بر دوش او فرار داده است، توجه به مقام انسان و شناسایی مکان انسان در عالم وجود نسبت او با طبیعت از اساسی‌ترین موضوعاتی است که در کلیه فعالیت‌های انسانی بایستی مطرح نظر فرار گیرد.

اصلاح در زمین و اجتناب از فساد در آن را نیز می‌توان به عنوان محمل فعالیت‌های انسانی و جامع ارزش‌هایی که بایستی مدنظر قرار گیرند مطرح نمود. این دو زمینه که در واقع در روی یک سکه هستند، جایگاه خاصی در تعالیم اسلامی داشته و ناظر بر جملگی اعمال و فعالیت‌های انسانی می‌باشند. به همان اندازه که اصلاح امری پسندیده است، فساد در زمین امری مطرود و مذموم است که باید از آن اجتناب شود. اهتمام به عمران و آبادی زمین نیز یکی از وظایف تعیین شده توسط تعالیم اسلامی برای انسان است. و

بالتبیین می‌توان در قالب اصلاح‌گری و اجتناب از فساد، عمران در زمین را به عنوان یکی از بنیادی‌ترین وظایف انسان در زمین مطرح نمود و طبیعی است که برای انجام صحیح این کار نیاز به شناسایی ابزار و مصالح و برنامه مورد نیاز می‌باشد.

۲۴ - رید، هریبرت (ترجمه دریاوندی، نجف)، معنی هنر، کتاب‌های جیبی، تهران، ۱۳۵۱، ص ۶۲

۲۵ - همان، ص ۶۰

۲۶ - برای مطالعه در این مورد رجوع کنید به چبیتیک، ویلیام (ترجمه آوینی، سیدمحمد)، تئولوژی و توسعه، مجله‌نامه فرهنگ، شماره ۱۲، ۱۳۷۲.

۲۷ - در مورد معایب تغییر نگرش جامعه در مورد مسکن، از محل سکونت و آرامش و وطن به کالای قابل خرید و فروش سکوی

پرش از محله‌ای به محله دیگر شهر رجوع کنید به داوری اردکانی، رضا، ملاحظاتی در باب طرح مدینه اسلامی، مجله آبادی، شماره ۲۲، پاییز ۱۳۷۵، و نفی‌زاده، محمد، زمین وطن یا مال‌التجاره، همایش زمین و توسعه شهری دانشگاه تهران ۸ - ۶ آذر ۱۳۷۸

۲۸ - Naghizadeh, 1995, پیشین (۵)

29- Lings, Martin. *Sysbol and Archetype: A Study of Meaning of Existence*. St Edmundsbury, Press. Cambridge. 1991

نفی‌زاده، محمد، نقش معنوی طبیعت در تجلی محیط زندگی اسلامی، مجموعه مقالات همایش اسلام و محیط زیست، سازمان حفاظت محیط زیست، تهران، ۱۳۷۸

۳۰ - پیرنیا، محمد کریم، شیوه‌های معماری ایرانی، مؤسسه نشر هنر اسلامی، تهران، ۱۳۶۹

۳۱ - همان. ۳۲ - برای مطالعه در برخی زمینه‌های نعاذل در شهرسازی رجوع کنید به نفی‌زاده، محمد، مقدمه‌ای بر روش‌های احیاء شهر اسلامی در توسعه شهرهای معاصر، فصلنامه نامه فرهنگستان علوم ایران، شماره ۱۳ - ۱۲، ۱۳۷۸ و Naghizade, Mohammad. *The Concept of Moderation (l'tidal) In Islamic Architecture*

No. 2. and Urban Design. journal of Saba. Spring - Summer 2000

۳۳ - نفی‌زاده، محمد، منابع و روش شناخت مبانی نظری معماری قدسی و شهر اسلامی، فصلنامه هنر، شماره ۴۰، ۱۳۷۸

۳۴ - رجوع کنید به نفی‌زاده، محمد، احیاء ارزش‌های اسلامی: هدف کیفی مهجور در برنامه‌های عمران شهری، (مطالعه موردی: توسعه‌های شهری معاصر)، همایش پنجاه سال برنامه‌ریزی توسعه در ایران، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ۱۳۷۷

۳۵ - همان. ۳۶ - رجوع کنید به: نفی‌زاده، محمد، شهرهای جدید: مکان بالقوه تجلی ارزش‌ها، فصلنامه مسکن و انقلاب، شماره ۱۳۷۸ و نفی‌زاده، محمد، طرح‌های آماده‌سازی زمین: گامی لازم اما نارسا در سامان‌دهی توسعه‌های شهر، همایش تخصصی آماده‌سازی زمین، جلوه‌ای از توسعه شهری، دانشگاه بوعلی، ۱۳۷۶

۳۷ - چبیتیک، ۱۳۷۲، پیشین (۲۶) ص ۵۲

۳۸ - در مورد اهمیت عوامل فرهنگی در طراحی مسکن رجوع کنید به نفی‌زاده، محمد، ویژگی‌های کیفی مسکن مطلوب (مبانی طراحی و روش‌های تحصیل آنها)، مجله صفا نشریه دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۳۰، پاییز و زمستان ۱۳۷۸

۳۹ - عبدالعلی‌زاده، وزیر مسکن و شهرسازی، روزنامه اطلاعات، شماره ۲۱۷۵۷، ۴ آبان ۱۳۷۸

۴۰ - رجوع کنید به نهج البلاغه پیشین (۲۹)، وصیت‌نامه (نامہ) ۳۱، ص ۹۱۴